

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۶۲ - ۴۱

## تأثیر اختلال رفتاری جنسی در تحقق احسان

محمد اسماعیل بیگی<sup>۱</sup>

سید احمد میر خلیلی<sup>۲</sup>

علیرضا انتظاری<sup>۳</sup>

### چکیده

مسئله اختلال عملکرد جنسی یکی از پدیده‌های نوپیداست که در پژوهش‌ها و مطالعات اخلاقی، فقهی و حقوقی کمتر مورد بررسی و کاوش قرار گرفته است. اختلال جنسی در مقابل سلامت جنسی قرار دارد. یکی از مسایل مرتبط با اختلال عملکرد جنسی، تأثیر آن بر حسن معاشرت، زیست عقیفانه یا پاک زیستی، رضایت جنسی و در نتیجه احسان زوجین است که می‌تواند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. یافته پژوهش آن است که با توجه به ملاک و معیارهای حسن معاشرت می‌توان اختلال‌های جنسی را از موانع تحقق احسان برشمرد. به تعبیری دیگر، با توجه به قواعد اخلاقی و تأثیر آن بر احکام حقوقی، می‌توان بر این نظر بود که اختلال‌های جنسی می‌تواند در زمره موانع احسان محسوب گردد.

### واژگان کلیدی

اختلال جنسی، اختلال عملکرد جنسی، اختلال رفتاری، احسان، حسن معاشرت.

۱. دانشجوی دکترای گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

Email: hojjatele@yahoo.com

۲. دکتری گروه فقه و مبانی اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: dmirkhalili@gmail.com

۳. دکتری گروه فقه و مبانی اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

Email: entezari.uni@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۴

## طرح مسأله

از نظر قرآن کریم، فلسفه آفرینش همسر برای انسان، دست یابی به آرامش است.<sup>۱</sup> آرامش بخشی وجود همسر از آن جاست که وی نیازهای جنسی و عاطفی انسان را در رابطه مشروع تأمین می‌کند (بستان (نجفی)، ۱۳۹۹ش، ص ۲۸). قرآن کریم خانه را کانون آرامش خوانده است (نحل، آیه ۸۰) که به نظر می‌رسد آرامش بخشی خانه به اعتبار وجود همسر است. فعالیت جنسی، بخش مهمی از زندگی زناشویی را تشکیل می‌دهد که زمینه آرامش و رضایت را در همسران فراهم می‌کند. همسرانی که فعالیت جنسی رضایت بخشی ندارند با انواع مشکلات روبرو می‌شوند. یکی از عوامل مهم سازگاری و ایجاد صمیمیت میان همسران، رابطه جنسی سالم و مطلوب میان آنها است. همسرانی که رابطه موفق و خوشایندی دارند از زندگی مشترک شان بیشتر خشنود و راضی‌اند و معمولاً زندگی پایدارتری دارند (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۷ش، ص ۶۴؛ موسوی و امامی راد، ۱۳۹۹ش، ص ۲۷؛ حسین زاده، ۱۳۹۷ش، ص ۳۰۹).

اختلال جنسی در مقابل سلامت جنسی و رضایت جنسی قرار دارد. منظور از سلامت جنسی، مفهوم عامی از نبود مشکل، اختلال، انحراف و نابهنجاری جنسی و همچنین بهره‌مندی از وضعیت مطلوب و رضایت بخش جنسی، همراه با مهارت در رفتار جنسی سالم، موفق و سازنده است (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۷ش، ص ۵۶). منظور از رضایت جنسی نیز میزان خرسندی همسران از مسایل جنسی و توانایی لذت بردن و لذت دادن به یکدیگر است (موسوی و امامی راد، ۱۳۹۹ش، ص ۵۴). این عارضه به لحاظ اخلاقی و تربیتی آثار نامطلوبی برای زوجین به دنبال دارد که مهم‌ترین آن از بین بردن کارکردهای ازدواج و خانواده است.

این موضوع علاوه بر آثار زیان‌بار و مخرب اخلاقی و تربیتی، در حقوق خصوصی و حقوق خانواده دارای آثاری از جمله در حقوق و مسؤولیت‌های همسری و در انحلال نکاح بوده و در حقوق کیفری نیز منشأ اثر است (هدایت‌نیا، ۱۳۹۹ش، ص ۱۲۰-۱۲۴؛ همو، ۱۳۹۶ش، ص ۳۶۴). یکی از مسایل مرتبط با اختلال جنسی، تأثیر آن بر حسن معاشرت، زیست‌عقیفانه یا پاک‌زیستی، رضایت جنسی و در نتیجه احسان زوجین است که می‌تواند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. اختلال جنسی به ناتوانی زوجین در برقراری رابطه جنسی موفق و رضایت بخش اشاره می‌کند و به گونه‌ای حسن معاشرت و زیست‌عقیفانه را به چالش می‌کشد. روشن است که تأمین مشروع نیاز جنسی و پاک‌زیستی یکی از اهداف ازدواج و از مصادیق معاشرت به معروف است (بستان (نجفی)، ۱۳۹۹ش، ص ۸۴) و عملکرد جنسی مطلوب می‌تواند به افزایش سلامت اخلاقی و عمومی جامعه و رضایت زناشویی و نهایتاً حفظ ارکان خانواده منتهی شود

۱. به این مطلب در آیات ۲۱ سوره روم و ۱۸۹ سوره اعراف اشاره شده است.

(مزینانی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۶۶). بنابراین، اختلال جنسی با این هدف در تعارض است؛ چه این که با فرض ابتلای یکی از زن یا مرد به اختلال جنسی، آنان نمی‌توانند به مطالبات و نیازهای جنسی یکدیگر پاسخ گویند. کمترین اثر این عارضه، کاهش میزان رضایت در روابط همسران و اختلال در آرامش روانی و سلامت اخلاقی آنها و گاهی تأمین نیاز جنسی خود در خارج از چرخه زندگی مشترک است.

اختلال جنسی موضوعی نوپدید است که هر چند به تأثیر منفی آن بر کارکردهای خانواده در برخی کتاب‌ها اشاره شده و مقالاتی در باره علل و عوامل آن و تأثیر آن در به چالش کشیدن آرامش همسران از زاویه‌های مختلف پزشکی، روان‌شناسی، اخلاقی، تربیتی و جامعه‌شناسی و حقوقی به رشته تحریر درآمده<sup>۱</sup>، ولی تا آن جا که بررسی شد به موضوع تأثیر این اختلال‌ها بر احسان زوجین ورود نکرده و به آن نپرداخته‌اند. از این رو با توجه به پیشینه بحث، در این پژوهش برآنیم به موضوع اختلال عملکرد جنسی (کژکاری جنسی) پرداخته، مصادیق آن را استخراج و بر فقه و حقوق تطبیق داده و تأثیر آن در خروج از احسان را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

اختلال جنسی شامل مصادیق متعددی است که عمدتاً در کتاب و سنت سابقه ندارد و به لحاظ موضوع شناسی فقهی، «مستحدثه» محسوب می‌شود. برخی از این مصادیق عبارتند از: نظیر زودانزالی، دیرانزالی، واژینیسم، مقاربت دردناک، انزجار جنسی، انحراف جنسی، اختلال هویت جنسی و... منظور از اصطلاح «اختلال جنسی» در این نوشتار، «اختلال عملکرد جنسی»<sup>۲</sup> است.

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱-۱. اختلال

«اختلال» واژه‌ای عربی و مصدر باب افتعال از ریشه «خلل» است. واژه شناسان خلل و اختلال را به «اضطراب» و «عدم انتظام» معنی کرده‌اند (فیومی، ۱۴۱۸ه.ق، ج ۲، ص ۱۸۰). بعضی نیز گفته‌اند معنی اصلی این کلمه «انفراج» است؛ مبتنی بر این، اختلال در امور به معنی اضطراب و عدم انتظام و شکاف برداشتن کارهاست. (مصطفوی؛ ۱۴۰۲ه.ق، ج ۳، ص ۱۱۸). در لغت‌نامه‌های فارسی، این واژه به سست و تباه شدن کار، زیان رسیدن به کارها، نادرست شدن کار، نابه‌سامانی، بی‌نظمی، بی‌ترتیبی و تباهی معنی شده است (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۵۱۱). برخی از فقیهان نیز اختلال و خلل را این گونه تعریف کرده‌اند: «الخلل فی اللغه هو

۱. به برخی از این آثار در این پژوهش اشاره شده است

الفساد والوهن و النقص و اضطراب الشیء و عدم انتظامه.» (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۳۲ه.ق، ج ۸، ص ۱۸۰).

به تعبیر دیگر «اختلال به طور کلی به معنای به هم خوردن سامان و تعادل طبیعی در روان و جسم است. اختلال هنگامی مطرح می‌شود که عاملی در زندگی فردی و اجتماعی نابسامانی ایجاد کرده و جریان عادی و معمولی زندگی را بر هم زده باشد.» (نور علیزاده میانجی، ۱۳۹۷ش، ص ۵۶).

معادل انگلیسی واژه اختلال، «Disorder» است که در لغت نامه‌ها به معنای بیماری، اختلال، ناهنجاری عملکردی، بی‌نظمی، بی‌ترتیبی، نابه سامانی و... به کار رفته است (نیومن دورلند، ۱۳۹۳ش، ص ۳۱۸). بعضی نیز آن را به بی‌نظمی، به هم خوردگی مزاج و مختل کردن ترجمه کرده‌اند (حییم، ۱۳۷۴ش، ص ۱۴۴). در هر صورت، این واژه به کلمات دیگری اضافه می‌شود و به صورت ترکیبی به کار می‌رود، مانند اختلال بصر (عدم انتظام قوه بینایی)، اختلال حواس (پراکندگی و پریشانی حواس)، اختلال دماغ (پریشانی حواس و عدم انتظام اعمال مغز)، اختلال عقل (عدم انتظام اعمال مغز و دیوانگی) (دهخدا، همان، ج ۱، ص ۱۵۱۱)، اختلال رفتاری (ساعت چی، ۱۳۹۴ش، ص ۴) و اصطلاح «اختلال جنسی» که موضوع پژوهش پیش رو است.

## ۱-۲. جنس

واژه «جنس» نمایان‌گر مذکر یا مؤنث بودن است. در ترکیب اختلال جنسی با واژه «جنسیت» قرابت معنایی دارد و همین موجب شده به اشتباه به جای آن به کار رود؛ بنابراین، لازم است تفاوت این دو واژه واکاوی شود. جامعه‌شناسان میان جنس ۱ و جنسیت ۲ تمایز قائل هستند، اگر چه برخی آنها را به یک معنی می‌دانند (گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۸۴ش، ص ۱۲). جنس به تقسیم بندی زیست‌شناختی یا بیولوژیک میان مذکر و مؤنث اشاره دارد و به معنی قوه جنسی یا نر و مادگی است؛ در حالی که جنسیت به اجزای غیر بیولوژیکی جنس اشاره می‌کند و ناظر به ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آنها را تعیین می‌کند و انتظار دارد که مثلاً زن و مرد در موقعیتهای معین رفتار خاصی کنند.

برخی در تفاوت این دو بر این باورند که جنس به تفاوت‌های فیزیکی بین زن و مرد اشاره دارد، در حالی که جنسیت تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و غیره را در بر می‌گیرد که تحت عناوین هویت جنسی، جهت‌گیری جنسی، نقش جنسی و رفتار جنسی نمود می‌یابد (نوروزی و فتحی، ۱۳۹۸ش، ص ۳۸).

1. Sex.
2. Gender.

قربان لفظی این دو در زبان فارسی، موجب شده است که در گفت و گوهای عمومی، به اشتباه، به جای یکدیگر به کار روند. این در حالی است که این دو واژه، نزد کارشناسان امور زنان، معانی کاملاً متفاوتی دارند. به اعتقاد برخی، واژه «جنس» باید به ابعاد بیولوژیکی مردانگی و زنانگی فرد محدود شود و «جنسیت» به صفات و ویژگی‌های اجتماعی دو جنس اطلاق گردد. به بیان دیگر، واژه «جنسیت» به اجزای غیر بیولوژیکی جنس اشاره دارد که از نظر فرهنگی، برای مردان یا زنان مناسب تشخیص داده می‌شود. جنسیت در واقع، مجموعه انتظاراتی است از مرد و زن نوعی که در موقعیتی معین، چه باید بکند. اصطلاح جنس بر تفاوت‌های فیزیکی و بیولوژیکی میان زن و مرد دلالت دارد، حال آن که جنسیت، ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه، آن‌ها را تعیین می‌کند و تحت عناوین هویت جنسی، جهت‌گیری جنسی، نقش جنسی و رفتار جنسی نمود می‌یابد (نوروزی و فتحی، ۱۳۹۸ش، ص ۳۸؛ رزم ساز، ۱۳۹۳ش، ص ۴۹؛ ساعت چی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۸۰).

### ۱-۳. اختلال جنسی

با توجه به معانی «اختلال» و «جنس»، اصطلاح «اختلال جنسی» به معنی آشفتگی، نابه‌سامانی یا اختلال در قوه جنسی شخص و مفهومی مقابل «سلامت جنسی» است. منظور از سلامت جنسی، مفهوم عامی از نبود مشکل، اختلال، انحراف و نابهنجاری جنسی و همچنین بهره‌مندی از وضعیت مطلوب و رضایت بخش جنسی، همراه با مهارت در رفتار جنسی سالم، موفق و سازنده است (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۷ش، ص ۵۶).

البته نباید «اختلال جنسی» و «مشکل جنسی» را یکی پنداشت، بلکه این دو با هم تفاوت دارند. تعبیر اختلال برای بیماری و موارد آسیب‌زا به کار می‌رود که کنش‌وری و فعالیت‌عادی جنسی را دچار عارضه جدی کرده باشد، اما واژه «مشکل»، معنای عام‌تری دارد و مواردی را هم که در حد بیماری نیست در بر می‌گیرد (همان، ص ۵۷). به تعبیر دیگر، مشکلات جنسی لزوماً ناشی از اختلال یا کژکاری در یکی از مراحل چرخه پاسخ جنسی انسان نیست. ناکامی در برقراری رابطه جنسی رضایت بخش ممکن است به دلیل ناآگاهی از تفاوت‌های جنسی و اقتضائات آن یا ناآشنایی با مهارت‌های همسررداری باشد. نیز ممکن است ناشی از مصرف برخی داروها یا برخی موقعیت‌های خاص مانند فوت خویشان نزدیک باشد. طبیعتاً با رفع این عوارض، فرد به حالت عادی باز می‌گردد. بعضی نویسندگان با هدف ارائه ضابطه‌ای برای تمیز اختلال یا کژکاری جنسی از مشکلات جنسی نوشته‌اند: «کژکاری‌های جنسی نشانه‌های مستمر و مکرر دارند». این تعبیر برای آن است که مشکلات جنسی ناپایدار و گذرا، اختلال یا کژکاری شمرده نشود (هدایت نیا، ۱۳۹۹ش، ص ۳۵).

متخصصان سلامت روانی برای تشخیص اختلال‌ها از اصطلاحات و تعریف‌های

استانداردی استفاده می‌کنند که در راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (DSM)<sup>۱</sup> وجود دارد. در آخرین ویراست راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (DSM-5)، اختلال‌های مربوط به مسایل جنسی را در سه بخش جداگانه طبقه بندی می‌کند. این سه بخش عبارت‌اند از: «اختلال عملکرد جنسی»، «اختلال انحراف جنسی» و «اختلال هویت جنسی». از این سه نوع اختلال که هر سه به قوه جنسی شخص مربوط می‌شود، اصطلاحاً به اختلال جنسی «Sexual Disorder» تعبیر می‌شود (موریسون، ۱۳۹۷ش، ص ۲۹۸؛ نور علیزاده میانجی، ۱۳۹۷ش، ص ۴۰۸). مقصود از اختلال جنسی در این نوشتار، اختلال عملکرد جنسی یا اختلال عملکرد کنشی جنسی است. بروز اختلال در چرخه پاسخ جنسی یا هنگام رابطه جنسی را اختلال عملکرد جنسی گویند؛ اختلال‌هایی مانند عدم نعوظ، زودانزالی یا دیرانزالی، سردمزاجی یا بیش‌فعالی جنسی، واژینیسم، مقاربت دردناک، انزجار جنسی و... . هنگامی که در فعالیت جنسی و برقراری رابطه با همسر و فرایند آمیزش با او، کنش‌وری جنسی، رفتار جنسی و عملکرد جنسی دچار نارسایی یا کژکاری شود، از آن به «اختلال عملکرد جنسی» یاد می‌شود (نورعلیزاده، همان، ص ۵۶؛ اسلامی نسب، ۱۳۸۵ش، ص ۸۶).

#### ۱-۴. حسن معاشرت

معاشرت به دلیل ساختار واژگانی - باب مفاعله - از مفاهیم اجتماعی و دوسویه است که هرگاه قید و پسوندی بدان افزوده نشود، گزینه‌های چندی در آن جای می‌گیرد؛ معاشرت مردان با مردان، زنان با زنان و مردان با زنان در جامعه و مردان با زنان در درون خانواده که مهم‌ترین آنها گزینه اخیر است.

اگر موضوع معاشرت با پسوند خانواده مورد نظر و گفت و گو باشد همان سان که در آیه ۱۹ سوره نساء چنین است به این معنی است که معاشرت به معروف ملاک رفتاری برای مردان تنها نیست و مقصود از: «*وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ*» همزمان، تعیین ملاک و مبنای رفتاری شوهر با زن و زن با شوهر خویش است، پس مردان و زنان در رفتار متقابل خانوادگی و زناشویی از این زاویه که هر دو باید طبق معروف رفتار کنند همسان و برابرند. آیه مبارکه: «*وَ لَهُنَّ مَثَلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ*» (سوره بقره، آیه ۲۲۸) نیز به گونه‌ای صریح، وظایف، حقوق و آداب معاشرت متقابل مرد و زن در درون خانواده را برابر و همانند می‌شمارد و معیار آن را معروف معرفی

۱. متخصصان بهداشت روانی برای برچسب گذاری رفتارهای ناهنجار انسان‌ها در یک نظام طبقه بندی به توافق رسیده‌اند. محصول توافق آنان در یک کتاب مرجع تخصصی، به دست انجمن روان پزشکی آمریکا منتشر شده است. از این کتاب مرجع، به اختصار به «DSM» تعبیر می‌شود. اولین ویراست (DSM) به دست انجمن روان پزشکی آمریکا در سال ۱۹۵۲ انتشار یافت. سپس بارها در آن تجدیدنظر صورت گرفت تا روزآمدترین دانش درباره اختلال‌های روانی را منعکس کند. آخرین ویراست آن با نام «DSM-5tm» توسط انجمن روان پزشکی آمریکا انتشار یافت.

می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۰ش، ص ۹۹).

معروف از «ع ر ف» مشتق شده و در وزن‌های مختلف (عُرف، عَرَف، عِرْف) به کار رفته است که در هر وزن معنایی خاص دارد. از این میان، وزن عُرْف (بر وزن قفل) و مشتقات دیگر آن نظیر عرفان، عارف، معرفت، تعریف، عُرفا، اعراف و معروف، معنایی نزدیک به علم دارد. به بیان دیگر، معروف در این معنا می‌تواند به معنای معلوم باشد. برخی واژه‌شناسان نوشته‌اند: «و العُرْفُ والعَارِفَةُ والمَعْرُوفُ واحد: ضد النکر، و هو کلُّ ما تُعْرِفه النفس من الخیر و تَبْسأ به و تَطْمئنَ إلیه.» (ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۹، ص ۲۳۹).

این که گفته شد معروف معنایی نزدیک به معلوم دارد، بدان جهت است که متعلق علم می‌تواند خیر و شر باشد در حالی که متعلق عُرْف ظاهراً فقط خیر است. به بیان دیگر، معروف همان‌طور که ابن منظور گفته است هر چیز خیری است که نفس به آن شناخت پیدا نماید. از این رو، معنای معروف و معلوم گرچه به هم نزدیک است، ولی مترادف نیستند.

بعضی واژه‌شناسان، معروف را به «ما یستحسن من الافعال» معنی کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۹، ص ۲۳۹). یعنی فعل پسندیده و نیکو. البته اختصاص به فعل ندارد و هر قول پسندیده و نیک نیز معروف محسوب می‌گردد. راغب در معنای معروف می‌گوید: «والمعروف اسم لكل فعل یعرف بالعقل أو الشرع حسنه.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ه.ق، ص ۳۳۱) به هر حال، در مورد معنی لغوی این واژه ابهامی وجود ندارد، اما آن چه شایسته بررسی است، مفهوم آن در قرآن کریم است.

واژه معروف، صرف نظر از مشتقات دیگر آن، حدود چهار بار در قرآن کریم آمده است (حکمت نیا و دیگران، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۷۰). زیادی استعمال این واژه در قرآن اهمیت بیان مفهوم آن را دو چندان می‌نماید که حدود نیمی از این تعداد به موضوع معاشرت مردان با زنان در محیط خانه اختصاص یافته و معروف را ضابطه کلی در معاشرت و در روابط خانوادگی قرار داده است. یکی از مفسران می‌نویسد: «أی خالطوهن: من العشرة التي هی المصاحبة بما امرکم الله من اداء حقوقهن التي هی النصفه فی القسم و النفقة و الاجمال فی القول و الفعل و قیل: المعروف أن لا یضربها و لا یسئ القول فیها و یكون منبسط الوجه معها؛ مقصود از معاشرت به معروف، برخورد الهی با آنها و ادای حقوق زنان، انصاف در قسم و نفقه و زیبایی در گفتار و کردار است.» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۴۱). به تعبیر دیگر، معروف آن است که به زن ضرر و آزار نرساند. با او بد سخن نگوید و با روی گشاده با او مواجهه شود (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ه.ق، ج ۱، ص ۲۰۰).

به نظر می‌رسد عبارت «حسن معاشرت» معادل مناسبی برای «معاشرت به معروف» باشد. نگاهی به کاربردهای مختلف معروف در قرآن مؤید این برداشت بوده و نشان دهنده آن است که

معاشرت به معروف، قاعده ای فقهی حقوقی است (حکمت نیا و دیگران، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۷۰؛ هدایت نیا، ۱۳۹۹ش، ص ۲۲۳؛ (بستان)نجفی)، ۱۳۹۹ش، ص ۸۴). از مصادیق حسن معاشرت، تأمین آرامش روانی همسر است که این مهم از دو مسیر ارضای نیازهای جنسی و ارضای نیازهای عاطفی به دست می آید.

### ۱-۵. احسان

احسان مصدر باب افعال است و از ریشه حصن گرفته شده است. واژه شناسان «حصن» را به بنای مستحکم و غیر قابل نفوذ یا جایگاه مرتفع و احسان را به مصونیت بخشیدن و حفظ کردن معنی کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰ه.ق، ج ۳، ص ۱۱۸؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۲، ص ۴۶۰؛ جزری، بی تا، ج ۱، ص ۳۹۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۱۳، ص ۱۱۹؛ طریحی، ۱۴۱۶ه.ق، ج ۶، ص ۲۳۶). لطافت واژه احسان از آن جهت است که صفتی ارزشی و ثابت در شخصیت فرد را نشان می دهد با صرف نظر از برخورد با عوامل خارجی، ولی به ظاهر، این ویژگی‌ها در «حفظ» به کار نرفته است (مصطفوی، ۱۴۰۲ه.ق، ج ۲، ص ۲۳۵). به زره که انسان را از آسیب و جراحت مصون می دارد، درح حصین می گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ه.ق، ص ۲۳۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۱۳، ص ۱۱۹). تعبیر احسان در ساختارهای محصنات، محصنین، احصن، احصنت و... در هشت آیه از قرآن کریم به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸ ه.ق، ص ۶۹؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ه.ق، ج ۱، ص ۱۹۲).

در اصطلاح نیز به کسی که خود را از بی عفتی حفظ می کند محصن می گویند و به زنی که در اثر شوهر داشتن و یا با عفت بودن خود را از بی عفتی نگه دارد محصنه (به صیغه فاعل و مفعول) می گویند. به صیغه فاعل از آن جهت که خود را از بی عفتی نگه دارد و به صیغه مفعول بدان جهت که از بی عفتی بازداشته می شود (راغب اصفهانی، همان، ص ۲۳۹؛ طریحی، همان، ج ۶، ص ۲۳۶؛ فراهیدی، همان، ج ۳، ص ۱۱۸؛ مشکینی، بی تا، ص ۴۴-۴۶). به تعبیر برخی دیگر، در شماری از آیات و روایات از ازدواج با واژه احسان تعبیر شده است که از ریشه لغوی حصن به معنای دژ و قلعه مشتق شده و اشاره تلویحی به این مطلب است که هر یک از دو همسر برای دیگری به منزله دژ و قلعه ای است که او را از خطر وقوع در انحرافات جنسی نگاه می دارد (بستان)نجفی، ۱۳۹۶ش، ص ۱۳۹).

### ۲. مصداق یابی اختلال عملکرد جنسی

چرخه پاسخ جنسی انسان چهار مرحله متمایز دارد. این مراحل چهارگانه به طور تصاعدی عبارتند از: ۱. مرحله انگیزش؛<sup>۱</sup> ۲. مرحله پلاتو؛<sup>۲</sup> ۳. مرحله ارگاسم؛<sup>۳</sup> ۴. مرحله فرونشینی یا

1 . Excitement phas.

2 . Plateau phase.

تحلیل<sup>۲</sup> (مسترز و جانسون، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲). در بعضی منابع، از این مراحل چهارگانه به برانگیختگی، برانگیختگی ممتد و یک نواخت، اوج لذت جنسی و خاتمه، تعبیر شده است (ساعت چی، ۱۳۹۴ش، ص ۳۸۵). برخی نوشته اند مرحله میل یا تمایل به رابطه جنسی<sup>۳</sup> نیز که در فرایند یک رابطه جنسی از نظر روان شناسی بسیار اهمیت دارد به عنوان نخستین مرحله به این چهار مرحله افزوده شده است. پس طبق دیدگاه این گروه، مراحل و چرخه جنسی شامل پنج مرحله می باشد (نور علیزاده میانجی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۱۲).

رابطه مراحل پیش گفته بدین صورت است که هر مرحله به منزله علت برای مرحله بعد است. میل شهوانی هیجان درونی ناشی از خیال پردازی جنسی یا نوازش گری در تماس جسمی مستقیم یا تماشاگری عمدی یا اتفاق جنسی است. در هر صورت، این هیجان درونی موجب برانگیختگی جسمانی به صورت لیز شدن مهبل در زن و نعوظ آلت در مرد می شود. مرحله سوم پاسخ جنسی انسان، همان اوج لذت جنسی است که «ارگاسم»<sup>۴</sup> نامیده می شود. ارگاسم همراه با انقباض های عضلانی در ناحیه تناسلی و رعشه های خفیف در بدن زن و مرد روی می دهد که در مردان با انزال همراه است. فرونشینی مرحله پایانی و دوره بازگشت به حالت عادی است. مراحل پیش گفته به طور معمول در ارتباط جنسی کامل و رضایت بخش برای مردان و زنان تکرار می شود؛ اگرچه در اشخاص مختلف به لحاظ سرعت و طول مدت ممکن است متفاوت باشد. این سخن بدان معنی نیست که همه افراد قادرند این مراحل را تجربه کنند. اصطلاح کژکاری یا اختلال جنسی اشاره به وجود اختلال در یکی از مراحل پاسخ جنسی انسان است. بعضی افراد مبتلا به کژکاری، میل جنسی کمی دارند یا اساساً میلی ندارند. برخی دیگر در مرحله برانگیختگی جسمانی تأخیر دارند یا به طور کلی، برانگیخته نمی شوند. بعضی دیگر قادر نیستند مرحله ارگاسم را تجربه کنند. (هدایت نیا، ۱۳۹۹ش، ص ۳۴).

برخی از نویسندگان مصادیق کژکاری جنسی را این گونه بیان کرده اند: «اختلالات جنسی در مردان بر اساس ناتوانی در رسیدن به رابطه جنسی رضایت بخش بوده و شامل اختلال در انزال زودرس، انزال رو به عقب و انزال به تأخیر افتاده می باشد و این اختلالات در زنان مبتنی بر ناتوانی در رسیدن به رابطه رضایت بخش جنسی بوده و شامل اختلالات میل جنسی، تحریک جنسی، ارگاسم و آمیزش جنسی دردناک<sup>۵</sup> است.» (معاونت پژوهش گروه روان شناسی موسسه امام خمینی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۷). برخی دیگر، مشکلات جنسی شایع در مردان را مشکلات مربوط

- 1 . Orgasmic phase.
- 2 . Resolution phase
- 3 . Desire phase.
- 4 . Orgasm.
- 5 . vaginismus

به نعوظ، انزال زودرس و نرسیدن به اوج لذت جنسی و مشکلات شایع جنسی در زنان را ناراحتی عاطفی، ناراحتی جسمی و مشکل در رسیدن به اوج لذت جنسی دانسته اند (ونیکس، ۱۳۹۱ش، ص ۳۴).

### ۳. بررسی و تحلیل دیدگاه‌ها

تنوع مصادیق اختلال‌های جنسی فراتر از تطبیقاتی است که در فقه اسلامی صورت گرفته است. نظیر «عنن» که نوعی اختلال جنسی شناخته می‌شود و در عین حال، در زمره عیوب زوج قرار دارد و با توجه به ادله نقلی موجود، اثر آن در فسخ نکاح پذیرفته شده است. اختلال جنسی مصادیقی دارد که در ردیف عیوب موجب فسخ قرار نمی‌گیرند. اغلب مشکلات یا کژکاری‌هایی که امروزه به نام اختلال جنسی شناخته و تعریف می‌شوند، در فقه اسلامی سابقه ندارند و فقط اشاراتی کلی به آنها در فقه اسلامی یافت می‌شود؛ مشکلاتی مانند زودانزالی یا دیرانزالی، سردمزاجی یا بیش‌فعالی جنسی، واژینیسم، مقاربت دردناک، انزجار جنسی و غیر آن.

برخی مصادیق عیوب موجب فسخ، اختلال جنسی شناخته نمی‌شوند و تعریف پیش‌گفته بر آن منطبق نیست، مانند نایبایی و زمین‌گیری که از نظر فقهی جزو عیوب اختصاصی زوجه محسوب شده‌اند. این قبیل آسیب‌ها به فعالیت جنسی زوجین لطمه نمی‌زنند و با وجود آنها، فعالیت جنسی به صورت طبیعی صورت می‌گیرد یا اگر تأثیری داشته باشند، ناچیز است و به همین دلیل، اختلال جنسی محسوب نمی‌شوند.

عنن مصداق مشترک اختلال جنسی و عیوب موجب فسخ است. برخی در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان اختلالات جنسی موضوع علم روان‌شناسی مانند انزال زودرس و واژینیسموس<sup>۱</sup> را با عیوب موجب فسخ نکاح مانند عنن و قرن منطبق دانست و آنها را موجبی برای فسخ نکاح برشمرد، نوشته‌اند که میان اختلال نعوظ و عیب عنن، اختلال واژینیسموس و عیب قرن (عقل یا رتق)، و همچنین اختلال انزال زودرس مشروط بر عدم توانایی دخول و عیب عنن شباهت‌های بسیاری می‌باشد (اصغری، ۱۳۹۲ش). تا آن جا که بررسی شد فقیهان به بررسی اختلال‌های جنسی و تأثیر آن در خروج از احصان نپرداخته‌اند، اما در ذیل موضوع عیوب موجب فسخ نکاح به عنن به عنوان یکی از عیوب موجب فسخ، مباحثی را مطرح کرده‌اند. که می‌توان با توجه به بحث «عنن» بحث «اختلال عملکرد جنسی و تأثیر آن بر احصان» را سامان داد.

عَنن،<sup>۲</sup> نوعی ناتوانی جنسی در مردان است. واژه شناسان آن را به بیماری که مانع انتشار

1 . vaginismus

2 . impotence

عضو یا برخاستن آلت تناسلی مرد می‌شود، تعریف کرده‌اند (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۳۲ ه.ق، ج ۱، ص ۶۷۵). عنن اختصاص به مردان دارد و به مرد مبتلا به آن «عنین» و به این حالت «عنة» گفته می‌شود، هرچند برخی واژه شناسان آن را برای زنان هم به کار برده و نوشته‌اند: «امراة عینیه: لاتشتهی الرجال.» (طریحی، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۳، ص ۲۸۳).

فقیهان نیز عنن را این گونه تعریف کرده‌اند: «العنة فهو مرض يعجز معه عن الإیلاج، و یضعف عن الانتشار؛ (کرکی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱۳، ص ۲۲۸) عنن بیماری است که باعث عدم نعوذ آلت مردانه شده و مرد ناتوان از نزدیکی با همسرش می‌شود.» برخی نیز نوشته‌اند: «العنن و هو مرض يعجز معه عن الإیلاج، لضعف الذکر عن الانتشار (وجدانی فخر، ۱۴۲۶ ه.ق، ج ۱۲، ص ۱۷۶) عنن بیماری است که مرد به دلیل عدم نعوظ و برخاستن آلت تناسلی از نزدیکی کردن با همسرش ناتوان می‌شود.» یکی دیگر از فقیهان بعد از تعریف عنن، به دلایل و خصوصیات آن پرداخته و می‌نویسد: «و هو مرض يعجز معه الرجل عن الإیلاج لضعف الذکر عن الانتشار و قد يقع من الخوف و من السحر و قد يقع من الإعراض عن النساء و عدم الميل إلیهن و من الکبر و من غیرهما و قد یكون اصلياً و عارضياً و شرطه أن لا یختص بامرأة دون أخرى» (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ ه.ق، ص ۱۸۳). یکی از مراجع عظام تقلید نیز در این باره نوشته است: «عنن عارضه‌ای در مرد است که به واسطه آن قادر بر مباشرت با هیچ زنی نباشد و میزان در عدم قدرت و تشخیص آن نیز موکول به عرف است.» (شیرازی، ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۲۰، ص ۶۴۴). ایشان در جایی دیگر می‌نویسد: «در کتب لغت به زنی که تمایل جنسی به مرد نداشته باشد «عنین» می‌گویند. وقتی این دو مطلب را در کنار هم بگذاریم می‌توانیم نتیجه بگیریم که از نظر اهل لغت صرف عدم امکان مباشرت در صدق «عنن» کافی نیست، بلکه معیار وحید در تحقق آن، عدم تمایلات جنسی است که هم در مرد و هم در زن می‌تواند وجود داشته باشد. در حالی که در کلمات فقها اصلاً قید عدم تمایلات جنسی مطرح نمی‌باشد و تنها به عدم تمکن از مباشرت اکتفا شده است.» (همان، ص ۶۴۶). به تعبیر دیگر: «عنن از امراض است و گاهی منشأ آن عوامل جسمی و گاهی عوامل روحی است و اسباب مختلف دارد...» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ه.ق، ج ۵، ص ۱۰۷). فقیهان دیگر نیز به این موضوع پرداخته‌اند که به همین مقدار بسنده می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۳۰، ص ۳۲۴؛ انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق، ص ۴۴۱؛ خوانساری، ۱۴۰۵ ه.ق، ج ۴، ص ۳۶۴؛ امام خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۳).

تفاوت عنن با اصطلاح عقیم بودن آن است که فرد می‌تواند عقیم باشد، اما در توان جنسی خود مشکلی نداشته باشد. ضمناً بسیاری از کسانی که دچار مشکل ناتوانی جنسی هستند می‌توانند بارور نیز باشند.

در تعریف عنن عدم شهوت و تمایل به زنان ملحوظ نیست و چه بسا حالت فوق با وجود

شهوت و تمایل نیز توأم باشد (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۳۰، ص ۳۲۴؛ محقق داماد، بی‌تا، ص ۳۴۴).

اگر زن بعد از مشخص شدن عنن شوهر اقدام به فسخ ازدواج کرد که سخنی نیست، اما اگر از حق فسخ خود استفاده نکرد و صبر کرد و رضایت داد به ادامه زندگی مشترک، با وجود ناتوانی جنسی شوهر و بعد از مدتی به دلیل ناتوانی شوهر در ارضای جنسی او، مرتکب زنا شد حکم مسأله چیست؟ فقیهان در پاسخ به این پرسش، عنن و دیگر بیماری‌ها که موجب عدم توانایی در آمیزش هست را باعث خروج طرف مقابل از «احسان» دانسته‌اند. یکی از مراجع عظام تقلید در پاسخ به این پرسش که هر گاه زوج عیبی دارد که زن با وجود آن عیب می‌تواند عقد را فسخ کند مثل این که مرد مقطوع الاله یا خصی باشد لکن نمی‌خواهد فسخ کند اگر در چنین موردی زوجه زنا کند محصنه است یا خیر؟» گفته‌اند: «در فرض مذکور زن محصنه نیست.» (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱، ص ۵۴۴، مسأله ۱۴). همچنین در پاسخ به این پرسش که هر گاه شوهر عنین باشد و زوجه‌اش زنا دهد آیا محصنه است یا خیر، نوشته‌اند: «زوجه در این فرض محصنه نیست.» (همان، مسأله ۱۲). باید توجه داشت اگر زوجه نیز دارای بیماری‌هایی باشد که زوج امکان وطی با وی را نداشته باشد، زوج از احسان خارج می‌شود. ایشان همچنین در پاسخ به این پرسش که هر گاه زوجه عیبی دارد که آن عیب مانع از وطی است و زوج می‌تواند عقد را فسخ کند لکن نمی‌خواهد فسخ کند اگر در چنین موقعی زوج زنا کند محصن است یا خیر، چنین پاسخ داده‌اند: «مرد مورد سؤال محصن نیست.» (همان، مسأله ۱۳). و در پاسخ به استفتای دیگری با این مضمون که هر گاه زوج مریض و در منزل بستری باشد و به همین جهت نتواند با زوجه نزدیکی کند و در چنین حالی، زوجه زنا دهد آیا محصنه است یا خیر، فرموده‌اند: «در فرض مذکور زوجه محصنه نیست.» (همان، ص ۵۴۳، مسأله ۱۱).

از سوی دیگر، در منابع فقهی تأمین نیازهای جنسی و عاطفی همسران، داشتن روابط جنسی متعارف، زیست عقیفانه و وفاداری زوجین به یکدیگر و خودداری از برقراری رابطه نامشروع از لوازم حسن معاشرت دانسته شده است (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۸).

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در آخرین اراده خود در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با توجه به دیدگاه‌های فقیهان، مصادیق احسان را وسعت داده و با توسعه و گسترش موانع و مصادیق احسان، دایره شمول زنا و لواط محصنه را تنگ تر کرده و بیشتر زناها و لواط‌ها را در شمول زنا و لواط غیر محصنه قرار داده است. برخی نوشته‌اند: یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی جدید، مزیق نمودن مفهوم احسان است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۸ ش، ص ۱۰۳). از سویی بنای حدود بر تخفیف است (شیرازی، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۸۷، ص ۵۷). از این رو در ماده ۲۲۷ این قانون آمده است: «اموری از قبیل مسافرت، حبس، حیض، نفاس، بیماری مانع از مقاربت یا بیماری که موجب خطر برای طرف مقابل می‌گردد مانند ایدز و سفلیس، زوجین را از احسان خارج می‌کند.»

همان گونه که پیشتر آمد، اختلال‌های جنسی علاوه بر حقوق خانواده، در حقوق کیفری نیز منشأ اثر است (هدایت نیا، ۱۳۹۹ش، ص ۱۲۰). یکی از موضوعاتی که در ذیل ماده ۲۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل بررسی و کاوش است اختلال‌های جنسی زوجین و تأثیر آن بر خروج از احسان آنها می‌باشد.

تا آن جا که بررسی شد حقوق دانان نیز همانند فقیهان به بررسی اختلال‌های جنسی و تأثیر آن در خروج از احسان نپرداخته‌اند، اما در ذیل عیوب موجب فسخ نکاح به عنن به عنوان یکی از عیوب موجب فسخ، مباحثی را مطرح کرده‌اند.

برخی بر این باورند که: «عنن (بفتح عین و نون اول) یک نوع بیماری که به واسطه آن آلت مرد منتشر نمی‌شود و در نتیجه از عمل نزدیکی عاجز می‌گردد. در تعریف عنن عدم شهوت و تمایل به زنان ملحوظ نیست و چه بسا حالت فوق با وجود شهوت و تمایل نیز توأم باشد. این بیماری همان طور که ممکن است طبیعی باشد، محتمل است معلول کنش‌های روانی و یا افسون نیز باشد.» (محقق داماد، بی‌تا، ص ۳۴۴).

عده ای نیز این گونه نظر داده اند: «عنن و آن بیماری است که موجب می‌شود قوه نشر آلت تناسلی مرد ضعیف گردد به طوری که نمی‌تواند نزدیکی کند. کسی که دارای این بیماری است او را عنین گویند.» (امامی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۶۴). حقوق دانان دیگر نیز عنن را به ناتوانی جنسی شوهر معنا کرده‌اند (لنگرودی، ۱۳۸۵ش، ص ۴۷۷).

در منابع حقوقی نیز، تأمین نیازهای جنسی و عاطفی همسران، داشتن روابط جنسی متعارف، زیست عفیفانه و وفاداری زوجین به یکدیگر و خودداری از برقراری رابطه نامشروع از لوازم حسن معاشرت دانسته شده است (صفایی و امامی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۳۶؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۲۱۹).

قوانین و مقررات پیش و پس از انقلاب اسلامی درباره تأثیر اختلال‌های جنسی بر احسان اشاره‌ای نداشته‌اند، ولی در آرای مراجع مختلف قضایی و به ویژه قضات عالی مقام دیوان عالی کشور به مواردی از اختلال‌های جنسی مانند ناتوانی جنسی زن یا شوهر، سرد مزاجی و ... اشاره شده که نشان از توجه و دغدغه آن مراجع در این باره و تأثیر این اختلال‌ها در دوری از زیست عفیفانه و پاک زیستی و خروج از احسان دارد. به برخی از این آرا اشاره می‌شود:

۱. در یکی از این آرا، عدم توانایی شوهر متهمه در ارضای جنسی او موجب سقوط شرایط احسان در متهمه دانسته شده، از این رو رأی به سقوط حد رجم داده شده است. خلاصه این پرونده به شرح زیر است:

«با قتل آقای ...، مأمور انتظامی در مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۲۴، مأمورین به همسر او بانو ... مظنون شده و او تحت تعقیب قرار می‌گیرد. بانو ... اظهار می‌دارد که: همسر من نمی‌توانست مرا ارضا کند و ماهی یک بار با من نزدیکی می‌کرد و من با اجنبی زنا کردم و در قتل دخیل بودم.

شعبه ۴ دادگاه عمومی سنندج در مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۶ طی دادنامه شماره ۱۳۹۰ ضمن این که در هنگام اخذ آخرین دفاع، متهمین اقرار به زنا داشته‌اند، حکم به رجم متهمه و همچنین صد ضربه شلاق حدی برای متهم دیگر (...) به استناد اقرار آنها صادر می‌کند. اما شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۱۱/۴ مورخ ۱۳۷۶/۱/۲۴، در پی اعتراض و کیل متهمه اقدام به نقض رأی صادره می‌نماید به این شرح که: ... در خصوص آن قسمت از دادنامه که طی آن، محکومه (بانو...) را به حد رجم محکوم کرده... با توجه به مسأله ۱۰ جلد ۲ تحریرالوسیله صفحه ۴۸۵... و مستند به ماده ۸۶ ق.م.ا.شبهه در احصان موجب سقوط رجم است.

شعبه دوم دادگاه عمومی سنندج مجدداً با توجه به ۴ بار اقرار متهمه در مراحل مختلف و اعلام پشیمانی او در جلسه دادگاه مستنداً به مواد ۶۸ و بند ب ماده ۸۳ ق.م.ا. حکم به رجم متهم صادر کرده است. متعاقب صدور این رأی، وکیل متهمه تجدیدنظرخواهی نموده و پرونده به لحاظ سابقه ارجاع به شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور ارسال شده و این شعبه طی دادنامه شماره ۱۷۳۱ مورخ ۱۳۷۴/۹/۲۹ رأی صادره را به شرح ذیل نقض نموده است: ... به لحاظ این که شرایط احصان محقق نیست، حکم صادره نقض می‌گردد و موضوع اصراری تشخیص داده می‌شود.

در نهایت امر، رأی اصراری شماره ۱۵ مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۹ به این شرح صادر می‌گردد: «... نظر به این که تحقق احصان مشروط بر شرایطی است که در فصل سوم ق.م.ا. به ویژه در مواد ۸۳ و ۸۶ بیان شده است، خانم ... در دفاع از خود، عدم توانایی جنسی همسر خود را مطرح کرده که مدارک پرونده نیز مؤید آن است... لذا زنا مستوجب رجم... نقض می‌گردد.» (گروه پژوهشی انتشارات دانش، ۱۳۹۹ ش ص ۱۰۶).

۲. شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور نیز در دادنامه ای آورده است: «... از سوی دیگر، همسر متهم با تقدیم لایحه‌ای اعلام نموده با شوهر خویش مشکل جنسی داشته و تصاویر نظریه پزشکی قانونی حاکی از وجود مشکل زناشویی از سالها قبل و تداوم معالجات دارد که مجموعه مراتب فوق موید نظریه اقلیت بوده و لااقل موجب شبهه دارئه می‌باشد، لذا در وضعیت فعلی، دادنامه تجدیدنظرخواسته شماره... حاوی حکم رجم آقای... قابل تایید نمی‌باشد و...» (گروه پژوهشی انتشارات دانش، ۱۳۹۹ ش، ص ۲۰۴).

۳. شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور نیز آورده در پرونده دیگری آورده است: «... ثانیاً، با توجه به اظهارات همسر متهم مبنی بر داشتن مزاج سرد، موضوع احصان نیاز به بررسی بیشتر دارد تا هیچ گونه شبهه‌ای متصور نباشد...» (گروه پژوهشی انتشارات دانش، ۱۳۹۹ ش ص ۲۵۵).

دقت در این نمونه آرا محقق را به این نکته رهنمون می‌نماید که برخی بیماری‌ها نیز باعث خروج زوجین از احصان می‌شود و لذا یک نوع بیماری خاص دارای خصوصیت نمی‌باشد و آن چه باعث ناتوانی جنسی یا اختلال عملکرد جنسی و در نتیجه موجب سوء معاشرت و زیست غیر عقیفانه باشد سبب خروج زوجین از احصان می‌گردد.

بنابراین، از نظر فقهی و حقوقی، عنن و دیگر بیماری‌ها که باعث عدم توانایی بر آمیزش است هرچند استمتاع دیگر ممکن باشد باعث خروج زوج و همچنین زوجه از احسان می‌گردد. اما در خصوص اختلال عملکرد جنسی اظهار نظر صریح فقهی یافت نگردید؛ بنابراین در ادامه باید با استعانت از ادله اجتهادی حکم این پدیده را کاوش کرد.

#### ۴. کشف ملاک و مناط خروج از احسان

کشف ملاک و مناط و در پی آن، الغای خصوصیت و تنقیح مناط کمک شایانی به دست یابی به پاسخ پرسش این پژوهش دارد. چه این که اگر ملاک خروج زوجین از احسان مشخص گردد می‌توان به کمک ابزار «تنقیح مناط» حکم اختلال عملکرد جنسی را در خروج از احسان مشخص نمود. «تنقیح مناط در نزد فقیهان، شناسایی علت حکم از کلام شارع، از راه حذف ویژگی‌های غیر دخیل در حکم است» (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۲۶ه.ق، ج ۲، ص ۶۴۴). «الغای خصوصیت» نیز در مواردی استعمال شده که فقیه از طریق الغا و اسقاط خصوصیتی که در موضوع حکم (اعم از متعلق حکم یا متعلق متعلق حکم یا مکلف) یا خود حکم مدخلیت ندارد، مصداق دیگری از موضوع حکم را یافته و حکم را بر آن بار می‌کند. برای مثال، طبق آیه شریفه «وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً» (نور: ۴)، حد قذف‌کننده زنان محصنه بیان شده، ولی حکمی در مورد قذف‌کننده مردان محصن نیامده است. فقها با الغای خصوصیت زن بودن فرد قذف‌شده، حکم یادشده را برای قذف‌کننده مرد محصن نیز ثابت می‌کنند (مومن قمی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۴۳). در این فرآیند، زن محصنه که موضوع حکم منصوص به معنای متعلق متعلق حکم است، به عنوان فردی از موضوع واقعی تلقی شده، همان‌گونه که مرد محصن نیز فردی از آن است.

برای کشف مناط و ملاک حکم به خروج افراد دارای اختلال عملکرد جنسی باید سنخ این مسأله مورد توجه قرار گیرد آیا این مسأله جزء امور تعبدی است یا امور عقلایی که عقل در آن درک و حکم دارد و توانایی حضور دارد؟ با امعان نظر مشخص می‌گردد یکی از اهداف اولیه ازدواج که معاشرت و آمیزش جنسی است با اختلال عملکرد جنسی قابل جمع نیست از این رو منطقی و عقلایی نیست که شارع مقدس از سویی هدف تشریح ازدواج را سکونت و آرامش روحی - روانی «لتسکنوا الیها» معرفی نماید و از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأمین آرامش بین زوجین که آمیزش جنسی است نادیده بگیرد. بنابراین، شارع مقدس با واقع بینی تمام و در نظر گرفتن حقایق مادی و نیازهای غریزی و زیستی زوجین در صورت عجز زوجین از آمیزش جنسی و ابتلا به بیماری‌هایی همچون عنن، زوجین را از دایره احسان خارج کرده است. بنابراین و با توجه به این ملاک یعنی «اختلال در عملکرد مطلوب جنسی» می‌توان هر یک از مصادیق اختلال جنسی، اعم از عنن و همچنین عوامل روانی اختلال در عملکرد جنسی را تحت آن حکم قرار داد و بر خروج این افراد از دایره احسان حکم کرد.

همچنین باید توجه داشت که هرچند بعضی از مصادیق اختلال‌های جنسی موضوعات جدید فقهی هستند و در مسأله محل بحث عنوان اختلال جنسی و مصادیق جدید آن موضوع ادله شرعی قرار نگرفته است، ولی بازگشت آن به عناوینی است که برای آن ادله خاص یا عام در منابع فقه یافت می‌شود.

#### ۴-۱. قواعد نفی ضرر و حرج

با توجه به آن چه در تعریف اختلال جنسی بیان شد، به لحاظ پیامدشناسی، بازگشت اختلال جنسی به «ناتوانی در برقراری رابطه جنسی موفق» است. این تعریف، آسیب‌های پیش رو را در بر می‌گیرد: ۱. عجز یا نداشتن قدرت در ایفای وظیفه زناشویی؛ ۲. ضرری یا حرجی شدن رابطه زناشویی.

عناوین پیش گفته به لحاظ فقهی منشأ اثر هستند و برای هریک، ادله خاص یا عام وجود دارد. بنابراین، مستنبط می‌تواند با برگرداندن مصادیق اختلال جنسی به عناوین فقهی شناخته شده و معروف مانند «ضرر» و «حرج» حکم آن این مصادیق را نیز استنباط کند. برای مثال، اگر ثابت شود ابتلای فرد به مصداقی از اختلال جنسی موجب ناتوانی جنسی وی شده یا رابطه جنسی را برای وی یا همسرش ضرری یا حرجی ساخته است، می‌توان از طریق قواعد نفی ضرر یا حرج، حکم آن را به دست آورد. همچنین از طریق ملاک‌های احکام عیوب که شرح آن گذشت؛ چه این که حکم به احصان چنین افرادی، ضرری و حرجی است و در شریعت مقدس اسلام از ضرر و حرج نفی و نهی شده است. بنابراین، شارع مقدس حکم به احصان چنین افرادی نمی‌نماید.

#### ۴-۲. قاعده معاشرت به معروف

معاشرت به معروف فقط مسأله فرعی نیست، بلکه اصل یا قاعده فقهی است که از آن می‌توان برای استنباط احکام موضوعات و مسایل نوظهور در حوزه فقه خانواده بهره جست (حکمت نیا و دیگران، ۱۳۸۸ ش، ج ۲، ص ۷۰؛ هدایت نیا، ۱۳۹۹ ش، ص ۲۲۳). اختلال جنسی به ناتوانی زوجین در برقراری رابطه جنسی موفق و رضایت بخش اشاره می‌کند و به گونه ای حسن معاشرت و زیست عقیفانه را به چالش می‌کشد. روشن است که تأمین مشروع نیاز جنسی و پاک زیستی یکی از اهداف ازدواج و از مصادیق معاشرت به معروف است (بستان‌نجفی)، ۱۳۹۹ ش، ص ۸۴)؛ بنابراین، اختلال جنسی با این اهداف در تعارض است؛ چه این که با فرض ابتلای یکی از زن یا مرد به اختلال جنسی، آنان نمی‌توانند به مطالبات و نیازهای جنسی یکدیگر پاسخ گویند. کمترین اثر این عارضه، کاهش میزان رضایت در روابط همسران و اختلال در آرامش روانی و سلامت اخلاقی آنها و گاهی تأمین نیاز جنسی خود در خارج از چرخه زندگی مشترک است. با توجه به ملاک و معیارهای حسن معاشرت و معاشرت به معروف که در اسلام

بر آن تأکید فراوان شده است<sup>۱</sup>، می‌توان اختلال‌های جنسی را از موانع تحقق احسان برشمرد. به تعبیری دیگر، با توجه به قواعد اخلاقی و تأثیر آن بر احکام حقوقی، می‌توان بر این نظر بود که اختلال‌های جنسی تواند در زمره موانع احسان محسوب گردد.

#### ۴-۳. قاعده درء

قاعده درء یکی از قواعد مسلم فقهی است که در حقوق ایران نیز جریان دارد. بر اساس این قاعده که باعث سقوط حدود می‌شود هر جا که در احراز شرایط ارتکاب جرم حدی تردید شود قاعده درء جاری است و نمی‌توان حدود را جاری کرد. این قاعده مستند به حدیثی از پیامبر اعظم (ص) است که در آن آمده است: «...ادْرءُوا الْحُدُودَ بِالشُّبُهَاتِ...» (حرعاملی، ۱۴۰۹هـ.ق، ج ۲۸، ص ۴۷، ح ۴). فقیهان با استفاده از این حدیث، در موارد وجود شبهه قایل به برداشته شدن حدود شده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴هـ.ق، ج ۴۱، ص ۲۶۲، ۳۰۶ و ۴۶۴). در مسأله مورد بحث نیز با توجه به اختلال جنسی، تحقق احسان برای قاضی محل تردید و شبهه است و لذا جریان حکم حدی زناى محصنه مجاز نیست. پس در صورت شک در احسان فرد دارای اختلال جنسی و یا احسان طرف مقابل او در صورت زنا باید حکم به عدم احسان کرد.

#### ۴-۴. قاعده احتیاط در دماء

از قاعده احتیاط در دماء به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول عقلایی در جامعه نام می‌برند (سبزواری، ۱۴۱۳هـ.ق، ج ۲۷، ص ۲۳۹). عقلا در خون انسان‌ها و از بین بردن یک نفس، احتیاط‌های لازم را دارند و به محض این‌که شواهدی بر تجویز قتل پیدا کردند، قتل را اجرا نمی‌کنند، بلکه اثبات قتل را بر امور مهم و محکم استوار می‌کنند. البته این گونه هم نیست که احتیاط در دماء، مقدم بر امارات باشد و حق دیگران از بین برود (حب الله، ۱۴۲۲هـ.ق، ج ۲۲، ص ۶۹). بنابراین، هرگاه قاضی تردید کند که آیا متهم مرتکب عمل ممنوعی شده است یا خیر یا این‌که آیا مرتکب در انجام عمل غیر قانونی، قصد و عمد داشته است یا خیر و یا این‌که آیا مرتکب در انجام عمل غیر قانونی، قصد و عمد داشته است یا خیر، به مقتضای اصل احتیاط نسبت به حفظ جان و عرض مسلمان، باید مجازات از متهم برداشته شود. در مسأله مورد بحث نیز این تردید برای قاضی وجود دارد که آیا زناى محصنه انجام شده است یا خیر؟ که با تمسک به قاعده احتیاط در دماء، حکم به برائت از زناى محصنه می‌دهد.

۱. از منظر قرآن کریم، اساسی‌ترین اصل در رفتار و تعامل میان زن و شوهر، معاشرت به معروف است. خداوند در آیه

۱۹ سوره نساء می‌فرماید: «... وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...»

### نتیجه گیری

در این پژوهش مانعیت اختلال عملکرد جنسی در تحقق احسان از منظر اخلاقی، فقهی و حقوقی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. از جمله نتایج این پژوهش این که از نظر فقهی اظهار نظر صریحی درباره مانعیت اختلال عملکرد جنسی در تحقق احسان نشده است. لکن رهیافت این پژوهش آن است که از طریق کشف ملاک و مناط خروج از احسان می‌توان به حکم فقهی اختلال عملکرد جنسی در مانعیت از تحقق احسان دست یافت. ملاک کشف شده برای خروج از احسان «عجز یا نداشتن قدرت در ایفای وظیفه زناشویی» است که این مناط در افراد دارای اختلال عملکرد جنسی نیز وجود دارد؛ بنابراین، می‌توان حکم خروج از احسان را بر این افراد مترتب کرد. از سوی دیگر با توجه به ملاک و معیارهای حسن معاشرت و معاشرت به معروف در خانواده که در اسلام بر آن تأکید فراوان شده است نیز می‌توان اختلال‌های جنسی را از موانع تحقق احسان برشمرد. همچنین رهیافت دیگر برای خروج افراد دارای اختلال جنسی از زمره محصنین آن است که به این مهم توجه شود که حکم به احسان چنین افرادی ضرری و حرجی است و بر اساس ضوابط شناخته شده فقهی ضرر و حرج نفی شده است. با استناد به قاعده درء و همچنین قاعده احتیاط در دماء نیز می‌توان حکم به خروج از احسان در افراد دارای اختلال عملکرد جنسی نمود.

## فهرست منابع

۱. ابن عباد، صاحب، (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الكتاب، چاپ اول، ج ۲.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ج ۹ و ۱۳.
۳. اسلامی نسب، علی (۱۳۸۵)، درمان های جنسی، تهران، نسل نواندیش، چاپ ششم.
۴. اصغری، منصوره، (۱۳۹۲)، پایان نامه کارشناسی ارشد: «تبیین حقوقی- روان شناختی تأثیر اختلالات جنسی هر یک از زوجین در انحلال نکاح»، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۵. امامی، سید حسن (بی تا)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامیة، تهران، بی جا، ج ۴.
۶. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵)، کتاب النکاح، قم، گنگره جهانی بزرگ داشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.
۷. بستان(نجفی)، حسین(۱۳۹۶)، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ پنجم.
۸. جزری، ابن اثیر (بی تا)، النهاية فی غریب الحدیث، قم، اسماعیلیان، چاپ اول، ج ۱.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۸۵)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ شانزدهم.
۱۰. گروه پژوهشی انتشارات دانش (گردآورنده) (۱۳۹۹)، جرم زنا در رویه دادگاه ها، تهران، چراغ دانش، چاپ اول.
۱۱. حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۸)، مقاله: «ارتقای جایگاه زنان در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۱، شماره ۸۴.
۱۲. حب الله، حیدر (۱۴۲۲)، مقاله: «الشهادة علی الزنا - المعاينة والیقین»، مجله فقه اهل البيت (عربی)، قم، مؤسسه دائرة المعارف الاسلامیة، ش ۲۲.
۱۳. حسین زاده، علی(۱۳۹۷)، همسران سازگار(راه کارهای سازگاری)، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ بیست و دوم.
۱۴. حکمت نیا، محمود و دیگران(۱۳۸۸)، فلسفه حقوق خانواده، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، چاپ اول، ج ۲.
۱۵. حییم، سلیمان (۱۳۷۴)، فرهنگ انگلیسی فارسی حییم، تهران، نشر فرهنگ معاصر، چاپ سوم.
۱۶. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵)، جامع المدارک، قم، موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ج ۴.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالعلم، چاپ اول.

۱۹. رزم ساز، بابک (۱۳۹۳)، روش‌های پیش‌گیری از جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مجد، چاپ اول.
۲۰. سادات اسدی، لیلا (۱۳۸۵)، مقاله: «حق جنسی، اختلال و انحراف در آن در قوانین موضوعه»، مجله ندای صادق، سال ۱۳۸۵، شماره ۴۳.
۲۱. ساعت چی، محمود (۱۳۹۴)، فرهنگ روان‌شناسی، تهران، انتشارات معین، چاپ دوم.
۲۲. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳) مهذب الاحکام، مؤسسه المنار، قم، چاپ چهارم، ج ۲۷.
۲۳. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹)، کتاب نکاح، قم، مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز، چاپ اول، ج ۲۰.
۲۴. شیرازی، سیدمحمد (۱۴۰۷)، الفقه، قم، موسسه الفکر الاسلامی، ج ۸۷.
۲۵. صفایی، سید حسین و اسدالله امامی (۱۳۷۵)، حقوق خانواده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ج ۳.
۲۷. طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ ه.ق)، مجمع البحرین، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، چاپ سوم، ج ۳ و ۶.
۲۸. عاملی، شیخ حر (۱۴۰۹)، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، چاپ اول، ج ۲۸.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ج ۳.
۳۰. فیض کاشانی، ملا محسن (بی تا)، مفاتیح الشرایع، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ج ۲.
۳۱. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۸)، الاصفی فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ج ۱.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد مقرئ (۱۴۱۸)، المصباح المنیر، بیروت، المكتبة العصرية، چاپ اول، ج ۲.
۳۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، دوره مقدماتی حقوق مدنی (خانواده)، تهران، نشر دادگستر، ج ۱.
۳۴. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، چاپ دوم، ج ۱۳.
۳۵. الکساندرنیومن دورلند، ویلیام (۱۳۹۳) فرهنگ پزشکی دورلند، ترجمه حمید نام‌آور و محمد جواد ضرابی، تهران، انتشارات یادواره کتاب، چاپ اول.
۳۶. کاشف الغطاء، حسن (۱۴۲۲)، أنوار الفقاهة - کتاب النکاح، نجف اشرف، مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ اول.

۳۷. محقق داماد، سید مصطفی (بی تا)، بررسی فقهی حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)، بی نا، چاپ اول، قم.
۳۸. مزینانی، ربابه و دیگران، (۱۳۹۱)، مقاله: «بررسی شیوع اختلالات عملکرد جنسی در زنان و عوامل مرتبط با آن»، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۱۹، شماره ۱۰۵.
۳۹. مسترز، ویلیام و ویرجینیا جانسون (۱۳۹۲)، واکنش جنسی انسان، ترجمه هدایت موتابی، تبریز، نشر فروزش، چاپ سوم.
۴۰. مشکینی، علی (بی تا)، مصطلحات الفقه، بی نا، بی جا، بی چا.
۴۱. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، مرکز کتاب للترجمه و النشر، چاپ اول، ج ۲ و ۳.
۴۲. معاونت پژوهش گروه روان شناسی موسسه امام خمینی (۱۳۸۶)، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن (مجموعه مقالات)، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۸)، أنوار الفقاهة (کتاب الحدود و التعزیرات)، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴)، کتاب النکاح، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول، ج ۵.
۴۵. موریسون، جیمز، TM&DSM راهنمای تشخیصی ویژه درمان گران به زبان ساده، ترجمه فرهاد شاملو و دیگران، تهران، نشر ارجمند، چاپ اول.
۴۶. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم (۱۴۲۷)، فقه الحدود و التعزیرات، قم، جامعه المفید، چاپ دوم، ج ۱.
۴۷. موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا)، تحریر الوسیلة، قم، اسماعیلیان، چاپ اول، ج ۲.
۴۸. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۰۹) مجمع المسائل، قم، دارالقرآن الکریم، چاپ دوم، ج ۱.
۴۹. موسوی، سیدعباس و امامی راد، احمد (۱۳۹۹)، کتاب جامع رضایت جنسی همسران (عوامل و موانع)، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول.
۵۰. مومن قمی، محمد (۱۳۸۰)، مبانی تحریر الوسیلة، کتاب الحدود، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۵۱. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۳۰ و ۴۱.
۵۲. نور علیزاده میانجی، مسعود (۱۳۹۷)، سلامت و اختلال جنسی همسران (رویکردی اسلامی و روان شناختی)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.

۵۳. نوروزی، نادر و مریم فتحی (۱۳۹۸)، نقش انحرافات جنسی در ارتکاب جرم، تهران، امجد، چاپ اول.
۵۴. وجدانی فخر، قدرت الله (۱۴۲۶)، الجواهر الفخرية فی شرح الروضة البهیة، قم، انتشارات سما، چاپ دوم، ج ۱۲.
۵۵. ونیکس، جان (۱۳۹۱)، رویکرد حل مسأله در درمان مشکلات جنسی، ترجمه عطاالله محمدی، تهران، نشر ارجمند، چاپ اول.
۵۶. هاشمی، سیدحسین (۱۳۸۰)، مقاله: «مبانی و معیارهای رفتار با زن در قرآن»، قم، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۵ و ۲۶.
۵۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران (۱۴۳۲)، موسوعة الفقه الإسلامی المقارن، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول، ج ۱ و ۸.
۵۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول، ج ۲.
۵۹. هدایت نیا، فرج الله (۱۳۹۹)، اختلال جنسی و حقوق خانواده، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۶۰. هدایت نیا، فرج الله (۱۳۹۵)، نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

61. American psychiatric Association, Diagnostic & Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition, (DSM-5)